

خبر

کشته‌شدن یک رنگین پوست دیگر در تیراندازی

پلیس بازگشت اعتراض‌ها به آتلانتا

● در پی کشته‌شدن یک مرد رنگین‌پوست در شهر آتلانتا در آمریکا به ضرب گلوله پلیس، تظاهراتی در این شهر برگزار شده و رئیس پلیس شهر استعفا کرده است. طبق گزارش‌ها، ریشارد بروکس درحالی‌که برای تحویل‌گرفتن غذا از یک رستوران پشت فرمان اتومبیل به خواب رفته بود، کشته شد.اما به گفته پلیس آتلانتا، تست تنفس الکل آقای بروکس مثبت بوده و او در برابر بازداشت مقاومت کرده است.

اداره تحقیقات جنایی ایالت جورجیا در حال بررسی مرگ آقای بروکس ۲۷ ساله است و از جمله ویدئویی را که یک شاهد عینی تهیه کرده بود بررسی می‌کند. در ویدئوهای گرفته‌شده توسط دوربینی در محل و یکی از شاهدان، بروکس در تقلا با دو مأمور پلیس روی زمین دیده می‌شود. سپس بروکس تیانچه برقی (تیزر، ابزار شوک برقی) یکی از پلیس‌ها را می‌گیرد و از دست آنها فرار می‌کند. یکی از پلیس‌ها به او از تیانچه برقی خود شلیک می‌کند. مأموران سپس دنبال او می‌دوند. صدای تیراندازی از سلاح گرم شنیده می‌شود. ریشارد بروکس روی زمین می‌افتد و پس از انتقال به بیمارستان جان می‌سپارد.

به دنبال این رویداد، خاتم اریکا شیلرز، رئیس پلیس آتلانتا استعفا داد. کینشا لنس باتمز، شهردار آتلانتا، اعلام کرد که می‌پذیرد، زیرا «اعمال خشونت مرکب» از نظر او «ناموجه» بوده است. به گفته شیلرز، «زمان آن است که اکنون این شهر رو به جلو حرکت کند و اعتماد میان مأموران اجرای قانون و جامعه‌ی که به آنها خدمت می‌کند، ایجاد شود.» شهردار آتلانتا نیز با تأیید این استعفا در کنفرانسی مطبوعاتی خواستار تعلیق فوری آن دو افسر پلیس شد. او گفت، باور ندارد که این «توجیهی برای استفاده از نیروی گنده باشد».

به گزارش شبکه ای‌بی‌سی‌نیوز، این چهل‌هشتمین تیراندازی با شرکت مأموران پلیس است که اداره تحقیقات جنایی ایالت جورجیا امسال درباره آنها تحقیق می‌کند. ۱۵ مورد از اینها مرگبار بوده است. تظاهرات روز شنبه در مرکز آتلانتا انجام شد و در آن معترضان نام بروکس و پلاکاردهای «جان سیاهان ارزش ما دارد» را حمل می‌کردند. آتلانتا البته بیش‌تر نیز صحنه اعتراضات مربوط به کشته‌شدن جورج فلوید شده بود و حتی پلیس در مواردی اقدام به پرتاب گاز اشک‌آور کرده بود. اما به نظر می‌رسد اعتراضات در این شهر همچنان ادامه پیدا کند.

تجمع معترضان در کشورهای مختلف

از سوی دیگر در مرکز لندن هزاران معترض با وجود هشدارهای قبلی پلیس تجمع کردند و تظاهرکنندگان به سوی پلیس اشیایی از جمله بطری پرتاب کردند. گزارش شده که بیشتر معترضان از گروه‌های دست‌راستی بودند و عده‌ای از آنها با پلیس درگیر شده‌اند. این گروه از معترضان گفته‌اند برای محافظت از مجسمه‌هایی که نماد تاریخ بریتانیا هستند به خیابان آمده‌اند. پلیس از پیش خواسته بود این تجمعات ساعت ۵ عصر به پایان برسد. باوجوداین تا چندساعت بعد از پایان مهلت پلیس، گروه‌هایی پراکنده از معترضان هنوز در خیابان‌ها بودند.

طبق گزارش‌ها، پلیس با تظاهرات‌کنندگان دست‌راستی از جمله طرفداران تیم فوتبال انگلستان درگیر شد تا اجازه ندهد آنها با عبور از حصار آهنی با تظاهرکنندگان مخالف نژادپرستی و حامیان جنبش «جان سیاهان مهم است» درگیر شوند. طرفداران فوتبال انگلستان در میان گروه‌های راست‌گرای افراطی هستند که گفته‌اند قصد دارند از مجسمه‌ها و بناهایی که سمبل تاریخ بریتانیا هستند، در مقابل تخریب محافظت کنند.

در جریان این درگیری چندین نفر از معترضان راست افراطی بازداشت شدند و بوریس جانسون، نخست‌وزیر بریتانیا، نیز این معترضان راست افراطی را به‌عنوان «ارادل و اوباش نژادپرست» محکوم کرد و گفت: این افراد در خیابان‌های ما جایی ندارند. در شهرهای دیگر جهان، از جمله پایتخت فرانسه هم معترضان به خیابان‌ها آمدند که در پاریس نیز درگیری بین معترضان و نیروهای پلیس روی داد. به گزارش بی‌بی‌سی، درگیری‌ها پس از آن بود که پلیس مانع راهپیمایی معترضان شد. گردهمایی پاریس تحت عنوان «عدالت برای آداما» برگزار می‌شد. آداما ترانزور مرد جوان سیاه‌پوستی بود که در سال ۲۰۱۶ در بازداشت پلیس فرانسه جان باخت. همچنین حدود ۱۵ هزار فعال نژادپرستی در میدان پلاس دو ریوبلیک در مرکز پاریس جمع شدند. آنها شعار می‌دادند «تا عدالت نباشد صلح نیست». این راهپیمایی‌ها در آخر هفته‌ای برگزار شدند که پدیده‌ان پلیس فرانسه افشا کرد نزدیک به هزار و ۵۰۰ شکایت از افسران پلیس در سال گذشته دریافت کرده که نیمی از آنها مربوط به خشونت پلیس بوده‌اند. در آلمان هم نزدیک به دو هزار نفر در شهر اشتوتگارت به خیابان‌ها آمدند و گروهی هم در شهر لوپک و شهر هامبورگ دست به راهپیمایی اعتراضی زدند. در راهپیمایی‌های آلمان هیچ درگیری و مشکلی گزارش نشده است.

جهان

کندی چگونه راه‌گشای ترامپ شد

هواداران ترامپ می‌توانند با هواداران کندی رقابت کنند؛ چراکه او به‌خوبی از کندی آموخته است که شرط پیروزی محبوبیت است



که کندی در ایالت خانگی دیسال می‌تواند پیروز شود. دیسال در نهایت تسلیم شد و در ژانویه ۱۹۶۰، او اولین فرماندار یک ایالت بزرگ بود که به حمایت از کندی پرداخت. زمانی که دیسال در سال ۱۹۸۱ درگذشت، روزنامه نیویورک‌تایمز او را «قهرمان ثروت سیاسی کندی» لقب داد.

در همین حال، سایر مخالفان بالقوه کندی، از جمله جانسون، استیونسون و سیمینگتون به این امید که کندی دچار چالش شود و آنها بتوانند با زدوبندهای پشت‌پرده نامزد شوند، از رقابت با کندی خودداری کردند. کندی ایسن وضعیت را پیش‌بینی می‌کرد و در یکی از سخنرانی‌های انتخاباتی خود گفت: «اگر رای‌دهندگان در ماه مارس، آوریل یا ماه می از آنها حمایت نکنند قطعا در ماه نوامبر هم شرایط تغییری نخواهد کرد». رای‌دهندگان دموکرات تمام امید خود را در کندی جست‌وجو می‌کردند و نتایج رقابت‌های درون‌حزبی حاکی از محبوبیت بالای او بود. در ایلینوی ۶۵ درصد، پنسیلوانیا ۷۱ درصد و نبراسکا ۸۹ درصد رای را به دست آورد و در ایالت ایندیانا هم دو رقیب درون‌حزبی را با کسب ۸۱ درصد رای از میدان به‌در کرد. یک هفته بعد، او تقریباً چهاربرابر آرای سناتور وین مورس در مرلیند رای به دست آورد.

امتیازکندی به‌ترامپ

از سال ۱۹۶۰ تاکنون، احزاب ملی کوشیده‌اند اعلام نامزدی‌ها را چندان وابسته به افکار عمومی نکنند؛ به‌عنوان‌مثال در دهه ۱۹۸۰ و همچنین در دهه گذشته، دموکرات‌ها صدها «دلگیت» (نماینده حزبی) را به حزب اضافه کردند. این نمایندگان مختار هستند تا آزادانه و آن‌طور که می‌خواهند در کنوانسیون‌های حزب رای دهند. هر چهار سال یکبار هم صاحب‌نظران و مشاوران حزبی دور هم جمع می‌شوند تا درباره کنوانسیون‌ها و نتایج احتمالی و نامزد نهایی بحث و تبادل‌نظر کنند، به‌گونه‌ای که نامزد دارند از آمریکا سکونت دارد، مستعد است که این شور‌ش‌ها به جنگ داخلی منجر نخواهد شد، اما از این نتائسل برخوردار است که شاخه‌های قدرت را در مقابل یکدیگر قرار دهد؛ اما نباید انتظار داشته باشیم که نقش یا سرنوشت ترامپ همچون پلنسن در روسیه و یا یاناکوپوچ در اوکراین باشد.اسپو کورباچا،وزلانوئیس روس که هفت سال پیش می‌شد به سادگی متوقف کرد. تلاش برای متوقف‌کردن این‌گونه نامزدها زمانی بیشتر می‌شود که این نامزدها مربوط به ایدئولوژی و جریانی خارج از جریان شکننده حزب رقیب باشند.

بر همین اساس است که نمی‌توان نامزدهایی را که در رقابت درون‌حزبی رای بالایی کسب کرده‌اند از ادامه رقابت بازداشت و این امتیازی است که کندی به نامزدهای انتخابات بعد از خود، از جمله ترامپ داده است. نخبگان و رهبران حزب نمی‌توانند کند واتر، جورج مک‌گاورن، جیمی کارتر یا دونالد ترامپ را متوقف کنند. آنها همچنین به خودی‌خود نمی‌توانند برنی سندرز را شکست دهند یا مایکل بلومبرگ را در سال ۲۰۲۰ نامزد کنند. این‌بار همه‌چیز از ماه فوریه در کارولینای جنوبی آغاز شد؛ رای‌دهندگان دموکرات نامزدی حزب خود را به جو بایدن دادند. «بن بردلی»، مدیر شعبه واشنگتن نشریه نیوزویک در سال ۱۹۶۲ در حال صحبت با دوستش، جک کندی، صلاحیت برادرش، ادوارد، برای شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری را زنر سؤال برد. ادوارد آن زمان در ۳۰ سالگی برای حضور در سنا نامزد شده بود. جان اف کندی پاسخ داد: منظور چیست؟ برای انتخابات ریاست‌جمهوری او باید در سه مرحله رای‌گیری شرکت کند. در کنوانسیون حزب، رای‌گیری‌های مقدماتی حزبی و در نهایت در رقابت برای ریاست‌جمهوری باید پیروز شود».

این پیروزی خودش یک پیروزی واقعی بود و فرد پیروز تعریف خود را از قدرت و مشروعیت دارد و این باعث می‌شود پیروزی‌های بیشتری در انتظارش باشد. موضوعی حقیقی‌تر از این درباره دوران ترامپ وجود ندارد و این در زمان کندی تبدیل به روندی برگشت‌ناپذیر شد.

شرط پیروزی در رقابت ریاست‌جمهوری، محبوبیت است.تا قبل از کندی، نامزدهای معدودی بودند که قصد داشتند با تکیه مستقیم بر افکار عمومی رقبای خود را شکست دهند. در سال ۱۹۱۲، «تئودور روزولت»، رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده، به انتقاد از جانشین خود پرداخت و برای نامزدی نهایی از حزب جمهوری‌خواه به رقابت با «ویلیام تافت» پرداخت. رقابت‌های درون‌حزبی تازه شکل گرفته بود و نامزدها این رقابت را چندان جدی نمی‌گرفتند. روزولت در ۱۳ رقابت درون‌حزبی شرکت کرد و در ۹ رقابت پیروز شد، اما تافت نظر مثبت کنوانسیون حزب را همراه خود داشت و موفق شد از این رقابت رورزور معاف شود.

در بهار ۱۹۴۰، «ویندل ویلکی» تاجر در حالی برای انتخابات ثبت‌نام کرد که بر اساس نظرسنجی‌ها رای مثبت تنها سه درصد جمهوری‌خواهان را داشت. «نمزدی ویلکی هم‌زمان شد با حمله آلمان نازی به غرب اروپا و ویلکی هم با استفاده از این موقعیت و ایراد سخنرانی‌های آتشین،کمپین انتخاباتی گسترده‌ای راه انداخت و توانست از حمایت رسانه‌های مهم آن زمان برخوردار شود. در این دوران ویلکی فهمید که چطور می‌تواند از نشریه‌ها و رسانه‌هایی مانند رادیو به نفع کمپین خود استفاده و حزب جمهوری‌خواه را متقاعد به حمایت از خود کند. ویلکی در نهایت برابر «فرانکلین روزولت» شکست خورد. در سال ۱۹۵۲، سناتور «کفورو» که با برگزاری جلسات ضدضدفا و نامی برای خود دست‌وپا کرده بود، در انتخابات درون‌حزبی ایالت نیومهمپشر توانست

رئیس‌جمهور «هری ترومن» را شکست دهد و پس از این شکست، ترومن اعلام کرد که برای سومین دوره نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری نخواهد شد.

«کفورو» که در کمپین‌های خود اغلب با کلاه از پوست راکن و سورتمه حاضر می‌شد، در بسیاری از رقابت‌های درون‌حزبی پیروز شد، اما در نهایت «آدای استیونسن» بود که از راه رسید و بدون حضور در رقابت درون حزبی و با جلب حمایت رهبران حزب از جمله ترومن، نامزد نهایی حزب دموکرات شد. در سال ۱۹۵۶ این رقابت دوباره شکل گرفت و با اینکه رهبران حزب دموکرات همچنان از «کفورو» نفرت داشتند، اما نتوانستند به سادگی مانع از حضور او در انتخابات شوند.

معادله‌محبوبیت-مشروعیت

تا آن زمان سیاست در آمریکا به اندازه‌ای تکامل یافته بود که یک فرد برای نامزدی باید از حمایت عمومی‌قابل‌توجهی برخوردار باشد. استیونسن برخلاف دوره قبل مجبور شد وارد رقابت درون‌حزبی شود و این‌بار با کسب بیشترین پیروزی‌ها باز هم کفورو را شکست دهد.

تا سال ۱۹۶۰، رهبران حزب پیش از دوره «تئودور روزولت» در معرض افکار عمومی قرار داشتند و کندی زمانی که برای شرکت در انتخابات اعلام آمادگی کرد، در مقایسه با ویلکی با کفورو از محبوبیت بیشتری برخوردار بود. برنامه‌ریزی کندی این بود تا از هر دو‌طرف معادله محبوبیت– مشروعیت سود ببرد و به قول خودش نام خود را به‌عنوان «یک سیاستمدار کامل» مطرح کند. او در محافص خصوصی از محبوبیت خود برای تحت فشار قراردادن هم‌حزبی‌ها استفاده می‌کرد تا آنها را مجبور به حمایت از خود کند و در انتظار عمومی این محبوبیت را بر پایه پیروزی‌های درون‌حزبی‌اش بنا می‌کرد.

اولین پیروزی بزرگ کندی پس از یک دیدار مخفیانه زمستانی در متلی در پیتسبورگ با «مایک دیسال»، فرماندار کاتولیک اوهایو رقم خورد. دیسال پیش از این از نامزد دموکرات دیگری حمایت کرده بود و حتی زرمزه حضور خودش هم در انتخابات مطرح بود. کندی در این دیدار به دیسال گفت که حتی بدون کسب حمایت او می‌تواند وارد رقابت درون‌حزبی ایالت اوهایو شود. نظرسنجی‌ها هم حاکی از این بود

هم حمایت خود را از «استوارت سیمینگتون» سناتور هم‌ایالتی خود از میسوری اعلام کرده بود. در چنین شرایطی کندی نمی‌توانست هیچ مزاحمتی برای بزرگان حزب ایجاد کند. از نگاه این رهبران، کندی فقط یک میلیونر کاتولیک، جوان و خوش‌سیمیا بود؛ اما همین جوان توانست تمام محاسبات را بر هم بزند.

برند شخصی قدرتمند

اما کندی علاوه بر ثروت خانوادگی کندی، یک دارایی عالی دیگر نیز داشت: خودش. کندی پیش از اعلام رسمی کاندیداتوری، تقریباً پنج سال را صرف ایجاد یک کمپین ملی کرد. او با تحت کنترل درآوردن داوطلبان، ایجاد و تحکیم پایگاه سیاسی خود، سخنرانی‌های متعدد سراسری، انتشار مقالات، کتاب، مجله و تهیه برنامه‌های تلویزیونی، هر آنچه در توان داشت، برای ایجاد یک برند شخصی قدرتمند به کار برد.

کندی به اندازه‌ای مشهور شده بود که آن زمان برای هر فردی چه در داخل دنیای سیاست و چه خارج از آن، کمتر متصور بود. او این شهرت خود را در رقابت‌های درون‌حزبی در معرض آزمون قرار داد و با پیروزی‌هایی که کسب کرد، توانست دموکرات‌های سستی را هم متقاعد کند تا روی اسب برنده شرط ببندند. زمانی که کندی سخنرانی نامزدی خود در انتخابات را بیان می‌کرد و از شهروندان می‌خواست تا برای رویارویی با چالش‌های «جهیم جدید» در گردهمایی حزب دموکرات در سال ۱۹۶۰ آماده شوند، پا را از ساختارهای و چارچوب‌های قدرت در آن زمان فراتر گذاشته بود و نمی‌دانست چقدر سقوط و فراپاشی به او نزدیک باشد است.

استانداردنامزدی‌مدرن

اما کندی برای همیشه سیستم نامزدی ریاست‌جمهوری در ایالات متحده را تغییر داد و جالب آنکه این دستاورد در مقایسه با دیگر دستاوردهای برجسته او از اهمیت درخورتوجهی برخوردار نبود. پس‌ازآن، همان‌طور که سیاست در آمریکا در حال تغییر خود به سوی برابری محبوبیت و مشروعیت بود، انتخابات مقدماتی و انجمن‌های حزبی جای رای‌گیری در کنوانسیون را گرفت، نهاده‌ا و نخبگان جریان غالب سیاسی مانند «والتر مندل» در سال ۱۹۸۴، «میت رامنی» در سال ۲۰۱۲ یا «جو بایدن» در سال جاری مجبور به رقابت تا آخرین رای، حتی به حکم دیوان عالی شدند تا نشان دهند که آنها سزاوار پیروزی نهایی در انتخابات هستند.

هنگامی که رقبا از یک حزب دیدگاه‌های متفاوتی را برای حزب خود بیان می‌کردند، همان‌طور که جورج بوش و جان مک‌کین در سال ۲۰۰۰ انجام دادند، این رای‌دهندگان بودند که تصمیم نهایی درباره فرد پیروز می‌گرفتند.

در سال ۱۹۹۲ و ۲۰۰۸ هم نامزدهایی کمتر شناخته‌شده؛اما مستعد مانند بیل کلینتون و باراک اوباما با کسب پیروزی‌های ارزشمند اولیه در انتخابات درون‌حزبی توانستند نام خود را مطرح کنند و حمایتی گسترده از آنها شکل گرفت. این روند باعث شد تا احزاب دنباله‌رو این چهره‌ها شوند و هیچ برآوردی درباره انتهای مسیری که فرمان آن به دست نامزدها است، نداشته باشند.

این‌گونه بود که یکی از نامزدها پس از نهایی‌شدن

نامزدی خود در حزب، تعریف خود از «استاندارد

نامزدی مدرن» در این‌گونه ارائه می‌دهد: «کمپین ما

بیش از تمام آرای مقدماتی حزب جمهوری‌خواه در

تاریخ، توانست رای جمع کند. مهم نیست این نامزد

چه کسی یا چه کسانی باشند. مهم این است که شما

موفق به انجام این کار شدید».

برنده‌ای که این‌گونه خودستایی می‌کند. اکنون هواداران دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری کنونی ایالات متحده، می‌توانند با هواداران کندی رقابت کنند؛ چراکه او به‌خوبی آنچه را کندی آموخته، یاد گرفته است:

در حوالی میدان سرخ

اعتراضات آمریکا در گذر مطبوعات و سیاست‌مداران روس

احمد وخشیته دانشیار دانشگاه ملی اور اسیا

● با ظهور اعتراض‌های مردمی در آمریکا، خشونت نیز از سوی پلیس در برخورد با معترضان هویدا شد و همین موضوع کافی بود تا انتقادها به سوی کاخ سفید روانه شود و طبیعتاً هر چه تفاوت دیدگاه مقامات سیاسی کشورها با ایلات متحده پرنرنگ‌تر بود، خرده‌گیری‌هایشان نیز دامنه بیشتری پیدا کرد. به نظر می‌رسد در دور قبلی انتخابات آمریکا، دونالد ترامپ گزینه مطلوب برای روسیه به شمار می‌آمد و بدون شک در صورت پیروزی هیلاری کلینتون، روابط بسیار تیره‌تر از سال‌های میان ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ می‌شد. موضوعی که در انتخابات ریاست‌جمهوری پیش‌روی آمریکا نیز صدق می‌کند و همچنان گزینه مناسب برای کرملین، باقی‌ماندن ترامپ بر مدار قدرت در کاخ سفید است. پس از توافقات انجام‌شده میان روسیه، آمریکا و عربستان در ماه آوریل، گفت‌وگوهای منظمی میان ولادیمیر پوتین و ترامپ شکل گرفت. آخرین مکالمه تلفنی سران کاخ سفید و کرملین پس از ناآرامی‌ها در آمریکا انجام شد و اخبار منتشرشده از این گفت‌وگو نشان می‌دهد هیچ اشاره وصحبتی درباره اعتراض‌های داخلی مردم آمریکا نشده است؛ اما پوتین این هفته در برنامه تلویزیونی «مسکو؛ کرملین؛ پوتین» به کشته‌شدن جورج فلوید، سیاه‌پوست آمریکایی واکنش نشان داد.از سوی دیگر ماریا زاخاروا در مقام سخنگوی وزارت خارجه روسیه با صراحت دموکراسی در آمریکا را مورد انتقاد قرار داد و با کتایبه به همتای آمریکایی خود، گفت: «در برنامه امروز مایک پمپئو، جلسه‌ای با بارزماندگان حوادث میدان تیان‌آن‌من دارد؛ جالب اینجاست که او می‌خواهد درباره دستاورهای حقوق بشری آمریکا به مهمان خود چه بگوید؟ انکار که هیچ‌کسی در دوربی در نظام بین‌الملل را قبیح ندانسته است!». به نظر این دیپلمات ارشد روس، آمریکایی‌ها همواره مشکلات داخلی در کشورهایی که با آنها همسو نیستند را مورد تمسخر قرار می‌دادند و با این رویکرد در سازمان‌های بین‌المللی،کنفرانس‌های مطبوعاتی و شبکه‌های اجتماعی کشورهای مورد نظر خود را مورد طعنه و کنایه قرار می‌دادند؛اما دولت آمریکا سعی دارد به همه دنیا درس دموکراسی بدهد و لایه به زودی نیز می‌خواهد به کشورهایی که با آنها همسو دموکراسی چیست؛اما باید این روزهای خود را به یاد داشته باشد.در همین رابطه اگر بخواهیم پرسه‌ای در مطبوعات روسی بزنیم، به مطلب جالبی از روزنامه «روزگلیاد» برخوردیم خود که معتقد است مبارزه برای حقوق اقلیت‌ها، آمریکا را به سمت انقلاب می‌کند و اعتراض‌های ایالات متحده را از این جهت در مسیر اوکراین می‌داند که معترضان در استبداد علیه استبداد پلیس، مجسمه‌های تاریخی را ویران کردند. نویسنده در این یادداشت مفصل با اشاره به کم‌شدن خشونت‌ها، بر این باور است که آمریکا از یک انفجار اجتماعی فرار کرد، البته باید در انتظار پس‌لرزه‌های آن باشیم. در همین رابطه الکسی پوشکوف، سناتور روس نیز در کانال تلگرام خود نوشت که در غرب و در درجه اول در ایالات متحده، انقلابی در حال وقوع است و آن را نشئت‌گرفته از یک ایدئولوژی جدید رادیکال دانست که شکل گرفته است.از سوی دیگر بوریس ژوئوف، استاد دانشگاه که در آمریکا سکونت دارد، مستعد است که این شور‌ش‌ها به جنگ داخلی منجر نخواهد شد، اما از این نتائسل برخوردار است که شاخه‌های قدرت را در مقابل یکدیگر قرار دهد؛ اما نباید انتظار داشته باشیم که نقش یا سرنوشت ترامپ همچون پلنسن در روسیه و یا یاناکوپوچ در اوکراین باشد.اسپو کورباچا،وزلانوئیس روس که هفت سال پیش می‌شد به سادگی متوقف کرد. تلاش برای متوقف‌کردن این‌گونه نامزدها زمانی بیشتر می‌شود که این نامزدها مربوط به ایدئولوژی و جریانی خارج از جریان شکننده حزب رقیب باشند.

بر همین اساس است که نمی‌توان نامزدهایی را

که در رقابت درون‌حزبی رای بالایی کسب کرده‌اند از

ادامه رقابت بازداشت و این امتیازی است که کندی

به نامزدهای انتخابات بعد از خود، از جمله ترامپ

داده است. نخبگان و رهبران حزب نمی‌توانند کند

واتر، جورج مک‌گاورن، جیمی کارتر یا دونالد ترامپ را

متوقف کنند. آنها همچنین به خودی‌خود نمی‌توانند

برنی سندرز را شکست دهند یا مایکل بلومبرگ

را در سال ۲۰۲۰ نامزد کنند. این‌بار همه‌چیز از ماه

فوریه در کارولینای جنوبی آغاز شد؛ رای‌دهندگان

دموکرات نامزدی حزب خود را به جو بایدن دادند. «بن

بردلی»، مدیر شعبه واشنگتن نشریه نیوزویک در

سال ۱۹۶۲ در حال صحبت با دوستش، جک کندی،

صلاحیت برادرش، ادوارد، برای شرکت در انتخابات

ریاست‌جمهوری را زنر سؤال برد. ادوارد آن زمان در

۳۰ سالگی برای حضور در سنا نامزد شده بود. جان

اف کندی پاسخ داد: منظور چیست؟ برای انتخابات

ریاست‌جمهوری او باید در سه مرحله رای‌گیری شرکت

کند. در کنوانسیون حزب، رای‌گیری‌های مقدماتی

حزبی و در نهایت در رقابت برای ریاست‌جمهوری باید

پیروز شود».

این پیروزی خودش یک پیروزی واقعی بود و فرد

پیروز تعریف خود را از قدرت و مشروعیت دارد و

این باعث می‌شود پیروزی‌های بیشتری در انتظارش

باشد. موضوعی حقیقی‌تر از این درباره دوران ترامپ

وجود ندارد و این در زمان کندی تبدیل به روندی

برگشت‌ناپذیر شد.